

بررسی نقش ساختار و کارگزار در عدم امنیت اقتصادی دوره قاجار (با تکیه بر عهد ناصر)

زهرا علیزاده بیرجندی*

فرشته بیجاری**

مجتبی خلیفه***

چکیده

مقوله امنیت پیشینه‌ای به بلندای حیات آدمی دارد. در میان گونه‌های مختلف امنیت، امنیت اقتصادی یکی از وجوه امنیت انسانی است که به دلیل گستره کارکردی آن بر امنیت سیاسی، قضایی، زیست محیطی و امنیت فردی و جمعی اثر می‌گذارد. با توجه به اهمیت موضوع امنیت اقتصادی، نوشتار حاضر با اتخاذ رویکرد توصیفی - تحلیلی می‌کوشد، ضمن بررسی عوامل آسیب‌زا و تهدیدات امنیت اقتصادی در دوره قاجار، تأثیر ساختار و کارگزار را در این زمینه مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. عوامل متعددی در بروز عدم امنیت اقتصادی در دوره قاجار تأثیرگذار بوده که برخی از این عوامل ریشه‌ای و برخی برآیند بافت موقعیتی آن روزگار است. یافته‌های حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که در بروز ناامنی اقتصادی در سطوح فردی و اجتماعی افزون بر ساختار نظام خودکامه قاجاری و کاستی‌های آن (فقدان قانون، دیوان‌سالاری ناکارآمد)، کنش کارگزاران دولتی نیز مدخلیت داشته است. این بررسی همچنین بر تمایز کنش‌های کارگزاران فاسد و کنش‌های ساختارساز و شالوده‌شکن کارگزاران مصلح دلالت دارد.

واژگان کلیدی

امنیت اقتصادی، قاجار، ساختار، کارگزار.

zalizadehbirjandi@Birjand.ac.ir

fbijari@Birjand.ac.ir

mkhalifeh@Birjand.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

*. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند.

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه بیرجند.

*** استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

مقدمه

امنیت اقتصادی یکی از شاخه‌های مفهوم جامع امنیت انسانی است. امنیت اقتصادی سطوح مختلف فردی و اجتماعی دارد و با شاخص‌هایی قابل بازشناسی است. در سطوح فردی، امنیت اقتصادی به داشتن درآمد و مخارج کافی و تا اندازه‌ای با ثبات تعریف شده است. از این جهت تهدیدهای امنیت اقتصادی فردی مواردی چون درآمد پایین، نداشتن درآمد (پیری و ناتوانی)، از دست رفتن دارایی (در حوادث طبیعی مثل قحطی و ورشکستگی)، افزایش پیش‌بینی نشده هزینه‌ها را شامل می‌شود. عدم امنیت اقتصادی نه تنها سطوح زندگی را تنزل داده، بلکه موجبات پریشانی، فشار روانی و از میان رفتن نشاط جامعه را رقم خواهد زد. در بحث امنیت اقتصادی در سطح فردی شرایط کاری افراد امری مهم شمرده شده است. از این رو یکی از وظایف دولت‌ها تأمین امنیت شغلی و امنیت درآمد و دارایی افراد است. در سطح ملی نیز کاهش فقر و بیکاری، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و کنترل تهدیدهای ویرانگر مثل جنگ و سایر عوامل تهدیدزای خارجی از جمله وظایف دولت‌ها به‌شمار می‌آید.^۱ با توجه به اهمیت امنیت اقتصادی جستار حاضر می‌کوشد، ضمن ترسیم چشم‌اندازی از عوامل آسیب‌زای امنیت اقتصادی، نقش ساختار و کارگزار را در این زمینه بررسی نماید. در این راستا دغدغه اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که جایگاه و سهم ساختار و کارگزار در بروز عدم امنیت اقتصادی دوره قاجار چیست؟

نقد و بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در آثاری نظیر *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه* نوشته احمد اشرف، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران* از حسین عظیمی و *نظریه حکومت قانون* اثر سید جواد طباطبایی و برخی از آثار فریدون آدمیت نظیر *امیرکبیر و ایران* در زمینه عدم امنیت اقتصادی در دوره قاجار اشاراتی وجود دارد. همچنین وجه تمایز پژوهش حاضر تبیین نقش ساختار و کارگزار در عدم امنیت اقتصادی در این دوره است.

تعریف مفاهیم اصلی پژوهش

مقوله ساختار - کارگزار هسته اصلی نظریات سیاسی و اجتماعی را شکل داده است. چراکه همواره این مسئله مطرح بوده که آیا نقش کارگزار و کنش‌گر در جامعه بیشتر است یا نقش ساختارهای حاکم؟ ساختارگرایان، ساختار و قوانین حاکم بر جامعه را مورد تأکید قرار می‌دهند و برخی دیگر از نظریه‌پردازان به نقش افراد جامعه اهمیت داده‌اند. به‌طور کلی در مقوله ساختار - کارگزار سه نظریه اساسی مطرح شده است: نظریه اول به اولویت کارگزار نسبت به ساختار قائل است؛ نظریه دوم به اولویت و اهمیت ساختار

۱. سیف، «مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، ش ۹، ص ۳۲.

نسبت به کارگزار توجه می‌کند؛ گروه سوم سعی دارد بر دوگانه‌انگاری ساختار و کارگزار فائق آیند و رابطه دو جانبه آنها را بررسی نمایند.^۱

آنتونی گیدنز از نظریه‌پردازانی است که به ارتباط ساختار و کارگزار باور داشته و عقید دارد که ساختارهای اجتماعی، ساخته کارگزار انسانی هستند و در عین حال ابزار و وسیله این ساختار نیز به‌شمار می‌آیند.^۲ بر این اساس عاملیت و ساختار به‌گونه‌ای جدایی ناپذیر در فعالیت روزمره در یکدیگر تنیده شده‌اند.^۳ به نظر گیدنز ساختارها به‌طور مستقل وجود ندارند، بلکه در لفاف کنش‌ها پوشیده شده‌اند و به‌واسطه کنش‌هایی که وجود دارند، تولید و بازتولید می‌شوند.^۴ حال جای آن است که بپرسیم ساختار چیست؟ ساختار خصیصه‌ای از سیستم اجتماعی است که در مدت طولانی پایدار می‌ماند و خواص آن استقلال بسیار زیادی از افرادی دارد که در آن ساختار واجد سِمَت و نقشی هستند. برای نمونه اوصاف نظام‌های دیوان‌سالار به خصیصه‌های سازمانی و فرماندهی درون دیوان وابسته است، نه به ویژگی‌های فردی دیوان‌سالاران. پس هر نظام دیوان‌سالار، سازمانی درهم‌تنیده از آدمیان و قواعدی است که مجاری فرماندهی و مقررات حاکم بر رفتار افراد را در مناسب مختلف معین می‌کند. به‌طور خلاصه می‌توان تعریف ساختارها را در عبارت ذیل بیان کرد:

ساختارهای اجتماعی نظاماتی هستند با دوام و سامان‌بخش که با تعیین فراخانها و تنگناها، هدایت‌گر و محدودکننده یا الهام‌بخش رفتار آدمیان‌اند.^۵

امنیت اقتصادی: امنیت اقتصادی از نظر مفهومی زیرمجموعه مفهوم جامع امنیت انسانی است. براساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در ۱۹۹۴ میلادی، ایده امنیت انسانی^۶ افراد را به‌عنوان مرجع امنیت مورد تأکید قرار داد و هفت زیرمجموعه شامل امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست‌محیطی، امنیت شخصی، امنیت جمعی و امنیت انسانی را با هم مطرح نمود.^۷ امنیت فرایندی است که از طریق تعامل محیط اقتصادی کلان و سطح میانی (بنگاه‌ها و شرکت‌ها) تعیین می‌شود و هر دوی

۱. حقیقت، «مسئله ساختار / کارگزار در علوم اجتماعی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۶۴ و ۶۵، ص ۱۴۸.

۲. همان، ص ۱۵۹.

۳. آقا محمدی، «چهارچوب تحلیلی ساختار - کارگزار در سیاست خارجی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۶، ش ۴، ص ۱۴.

۴. حقیقت، «مسئله ساختار کارگزار در علوم اجتماعی» *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۶۴ و ۶۵، ص ۱۵۹.

۵. لیتل، *تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم الاجتماع*، ص ۱۶۸ - ۱۶۷.

6. Human security.

۷. سیف، «مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، ش ۹، ص ۱۰.

اینها سطح خُرد امنیت اقتصادی (نیازهای افراد) را شکل می‌دهد.^۱ امنیت اقتصادی سطوح گوناگونی دارد که مهم‌ترین آن امنیت اقتصادی فردی و امنیت اقتصادی در سطح ملی است. امنیت اقتصادی فردی به داشتن درآمد، دارایی و مخارج کافی و تا اندازه‌ای با ثبات تعریف شده است. در سطح ملی هر کشور باید امنیت اقتصادی خود را به‌صورتی جداگانه تعریف و پایش کند. بعضی از کشورها امنیت اقتصادی را به‌عنوان توان فراهم‌سازی افزایشی پایدار در استاندارد زندگی برای همه مردم از طریق توسعه اقتصاد ملی با حفظ استقلال اقتصادی تعریف کرده‌اند. حفظ تعادل میان این دو بُعد یعنی رفاه و استقلال نیز نیازمند پایش روابط پیچیده رقابتی میان اقتصاد داخلی و شرکت‌های خارجی است.^۲

نقش کارگزاران حکومتی در ناامنی اقتصادی

یکی از مباحثی که در اکثر نوشته‌های انتقادی دوره قاجار بر آن تأکید شده عملکرد سوء عمال حکومتی و جایگاه آنان در مظالم اجتماعی و مفاسد اقتصادی است. در این آثار انتقادی گاهی از ناکارآمدی عمال حکومتی سخن رفته و زمانی از دست‌اندازی آنها در اموال دولتی و ظلم به رعیت سخن گفته شده است. عریضه‌های مردمی در بازتاب بیدادگری‌های عمال حکومتی و نشان دادن احساس عدم امنیت اقتصادی مردم جایگاه ویژه‌ای دارند. برای نمونه در عریضه اصناف کاشان به مجلس تحقیق مظالم مواردی از عملکرد سوء کارگزاران دولتی آن سامان مجال طرح یافته است.^۳ عریضه‌های متعددی هم از تجار سایر ولایات از جمله تجار بیرجندی با مضمون عدم امنیت مال‌التجاره آنها، سرقت کالاهایشان و سخت‌گیری‌های بیش از حد اداره مالیه بر تجار موجود است.^۴

علاوه بر تجار، عریضه‌هایی با مضامین مشابه از سایر اقشار جامعه موجود است که در میان اسناد نظمیه قابل بازیابی است.^۵ در گزارش‌های سیاحان خارجی و خاطرات دوره قاجار شواهد متعددی درباره نحوه عملکرد کارگزاران حکومتی می‌توان یافت. یکی از مضامین محوری این آثار، تأثیر سقوط اخلاقیات کارگزاران در نابسامانی‌های اقتصادی ایران است. پولاک از باج‌خواهی‌های عمال حکومتی و وجود رسم سیورسات و فشارهای مالیاتی حکام بر رعایا سخن گفته^۶ و شیل بر اختلاس شاهزادگان، خان‌ها و افسران تأکید نموده است. شیل دلیل پناهندگی بسیاری از این افراد به سفارتخانه‌ها را اختلاس آنها

۱. همان، ص ۱۵.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. آدمیت و ناطق، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و آثار منتشر نشده دوره قاجار*، ص ۳۷۸.

۴. سند شماره ۲ / ۷۱۵۵۹ اسناد آستان قدس.

۵. اتحادیه، اینجا طهران است، *مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴ - ۱۲۶۹ هجری قمری*، ص ۱۳۶ - ۱۳۹.

۶. پولاک، *ایران و ایرانیان*، ص ۳۵۶ - ۳۵۴.

دانسته و از عدم اجرای قوانین و تضییع حقوق بی‌گناهان انتقاد کرده است.^۱ در اظهارات شیل درباره فساد کارگزاران و فرار از مجازات حکومتی، علاوه بر تأثیر عاملیت (نقش کنشگران) به ضعف‌های ساختاری و فقدان قانون اشاره شده است:

آداب و رسوم این مملکت به‌صورتی است که یادآور اوضاع قرن گذشته اروپاست. نیروهای نظامی که از نوکران و حقوق‌بگیران اربابان فئودال تشکیل می‌شد و زورگوهایی که جانشین حکومت قانون بودند و همیشه حق را به‌جانب کسانی می‌دادند که قدرت و نفوذشان بر دیگران می‌چربید. در ضمن جوامعی که در آنها قدرت قانون ضعیف، فساد تشکیلات مملکتی همه‌جا را فراگرفته، مردم مملکت محتاج روش دیگری هستند که حامی ضعفا باشد و در ضمن تابع قوانین و ضوابط حکومتی هم نباشد و به همین جهت است که پناه گرفتن و تحصن در حریم بقاع مذهبی به همان‌گونه که در اروپای قدیم وجود داشته در ایران هم سخت رایج است.^۲

یکی دیگر از موارد فساد کارگزاران به نحوه عملکرد آنها در امور موقوفات باز می‌گردد. مصداق این امر تعدیات صاحب منصبان آستان قدس و عدم اجرای وقفنامه‌ها در این دوره است.^۳ در سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ موارد متعددی از سوءاستفاده‌های کارگزاران دولتی و مفت‌خوران بی‌دین از املاک موقوفات ذکر شده است.^۴ مهدی قلی خان هدایت نیز در *خاطرات و خطرات* ضمن اشاره به عریضه برخی از سادات قمی، از دخل‌وتصرف متولی‌باشی قم در موقوفات حکایت می‌کند:

متولی‌باشی قم که حدود ۶۰ سال است این خدمت را برعهده دارد اموال موقوفه را به غارت می‌برد و به موقوفه خدمت نمی‌کرد و به خانه‌های مردم تجاوز می‌کند که وزیر معارف و اوقاف در این خصوص خودتان یک نفر بفرستید به‌دقت عمل موقوفه رسیدگی نماید قراری بدهد که اسباب آسودگی مردم فراهم شود.^۵

از دیگر آسیب‌های اقتصادی این دوره که با کنش‌های عمال حکومتی پیوند دارد، ارتشاء است. مراغه‌ای ضمن انتقاد از عملکرد حکام ولایات و رشوه‌خواری آنها، اظهار شگفتی کرده که با وجود

۱. شیل، *خاطرات لیدی شیل*، ص ۸۴.

۲. همان، ص ۱۱۱.

۳. علیزاده بیرجندی و ناصری، «منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ش ۶، ص ۱۵۳.

۴. همان، ص ۳۶.

۵. هدایت، *خاطرات و خطرات: گوشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من*، ص ۱۸۵.

ممنوعیت خروج برنج از ایران در وضعیت خشکسالی، چگونه این همه برنج به خارج از کشور حمل می‌شود؟ در ادامه می‌افزاید که حاکم ولایت توجهی به قدغن حکومت نکرده و از هر کیسه برنج در رشت یک قران و در انزلی نیم قران رشوه دریافت نموده و اجازه خروج برنج از کشور را می‌دهد.^۱ در خصوص رشوه‌ستانی، آدمیت به نقش وزیران در این زمینه اشاره می‌کند و می‌گوید یکی از وزیران، سعیدخان انصاری، وزیر امور خارجه بود که به دلیل علاقه‌ای که به بیگانگان داشت از سمت آنان هرگونه وظیفه‌ای که می‌رسید به صورت ماهرانه می‌گرفت چنان که در قضیه عهدنامه مرزی آخال نوشته‌اند:

یقین است روس‌ها به میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه، در این مورد ده دوازده هزار تومان داده‌اند ... ارث میرزا مسعود انصاری در روس‌مآبی و رشوه‌ستانی از روسیان، حالا به میرزا سعید انصاری رسیده است.^۲

آدمیت در اشاره به مفسد اخلاقی کارگزاران حکومتی و سوءاستفاده آنها به رفتارهایی چون رشوه‌خواری، دریافت پیشکش، و سایر وجوهات غیرقانونی اشاره کرده و عقیده دارد که این مداخلی که از راه ناصواب به دست می‌آمد در نهایت آفت و آسیب‌های آن گریبان‌گیر طبقه رعیت می‌شد. وی در کتاب **امیرکبیر و ایران** از واتسون نقل قولی آورده که در ذیل به آن اشاره شده است:

از مجموع خصیصه‌هایی که در خوی ایرانیان نمو یافته، بعد از غرور توخالی زیادی که دارند، شوق دائمی آنان است به سودجویی نامشروع. لفظ «مداخل» که معادل آن را در فرهنگ انگلیسی نمی‌توان یافت به گوش ایرانیان بس دلپذیر است و لطف آن را کمتر اروپایی در می‌یابد. مداخل اطلاق می‌شود به هرچه که بتوان رشوه و فریب و زورستانی و از هزار راه نادرست دیگری به دست آورد. و آنچه مردم ایران به دنبالش می‌روند همان مداخل است نه مواجب. سر راست میدان تجلی استعدادهای ایرانی نیست آن استعدادهای فراوان در ریاکاری و اجحاف و تملق‌گوئی و فروتنی چاپلوسی نه ظهور دارند از این رو شغلی که فقط حقوق خوبی داشته باشد و مجال مداخل را ندهد حرفه‌ای است بی‌مقدار.^۳

یکی از دلایل ریشه‌ای زورستانی و رشوه‌گیری‌های عمال دیوانی و سپاهی عدم پرداخت به موقع مواجب، گرسنه بودن سربازان و تنگ‌دستی آنهاست. این نکته را امیرکبیر به خوبی تشخیص داد و در

۱. مراغهای، *سیاحتنامه ابراهیم بیگ*، ص ۲۵.

۲. آدمیت، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و آثار منتشر نشده دوره قاجار*، ص ۲۴۹.

۳. همو، *امیرکبیر و ایران*، ص ۳۲۰ - ۳۱۹.

جهت مقابله با مفاسد اقتصادی و رشوه‌خواری قبل از وضع قانون در مقابله با رشوه‌خواری و پیش از آنکه فرمان منسوخ شدن سیورسات^۱ و رشوه را صادر کند توجه ویژه‌ای به پرداخت مواجب دیوانی و سپاهی کرد. زیرا از نظر امیر یکی از انگیزه‌های نادرستی کارگزاران همین نکته بود. در واقع از نظر او سرباز نیمه‌گرسنه و دیوانی مواجب نرسیده قانون نمی‌شناخت و پای‌بند به رعایت آن نبود.^۲ در گزارش‌های نویسندگان داخلی و خارجی و همچنین گزارش‌های مأموران مخفی انگلیس مسئله حقوق سربازان و مواجب عقب افتاده آنها مطرح شده است. برای نمونه حاج سیاح در خاطرات خویش به وضعیت نابسامان سربازان و غارت مردم توسط آنها اشاره کرده است.^۳

تأخیر در پرداخت مواجب و یا عدم پرداخت آن، از بعد اقتصادی و سیاسی پیامدهایی داشت و عدم اتخاذ تدابیر لازم در حل این معضل، سبب بروز ناآرامی‌های متعدد می‌شد. در گزارش ۷ ربیع‌الثانی تا ۸ جمادی‌الاول ۱۲۹۲ ق مأموران مخفی بریتانیا اشاراتی به شورش افواج فریدون و چهارمحال اصفهان به دلیل نرسیدن مواجب شده است.^۴ در گزارش دیگری از مأموران مخفی انگلیس در ۷ صفر ۱۳۱۴ ق نیز به زورستانی‌ها و رفتارهای ناشایست سربازان با مردم اشاره شده است. این گزارش نیز مؤید مشکل ریشه‌ای تنگ‌دستی سربازان و عدم پرداخت مواجب آنهاست:

دیگر آنکه فوج بزچلو که تازه وارد شده‌اند، چند نفر از سربازان آن فوج آمده بودند در بازار هندوانه خریده، خوردند ولی پول به دکان‌دار نداده بودند. دکان‌دار مطالبه وجه کرده بود سربازان او را زده بودند، اهل بازار به حمایت دکان‌دار سربازان را زدند. سربازان رفته فوج را خبر کردند چندین نفر سرباز ریخت در بازار و کیل، کسبه‌ها را زدند بلور آلات دکان بلورفروشی را شکستند، کسبه هم جمع چهار بازار و کیل را بستند به معتمدالسلطنه و قوام‌الملک اطلاع دادند، آنها آدم فرستادند به زور بازارها را باز کردند، قرار گذارده‌اند آنها را تنبیه کنند و غرامت بلور آلات شکسته را گرفته، به صاحبانش بدهند.^۵

امیر کبیر برای مقابله با فساد اقتصادی، مبارزه با طمع‌ورزی دیوانیان و مواجب ناحقی که از مردم دریافت می‌کردند اقدامات فراوانی انجام داد و قوانین و نظم تازه‌ای بنیاد نهاد. تدبیر امیر در این زمینه جستجوی ریشه‌ها و دلایل این مفاسد اخلاقی بود و به همین دلیل تلاش کرد که مواجب دیوانی و

۱. زاد و توشه؛ خوارباری که برای لشکر در موقع حرکت فراهم می‌کنند.

۲. همان، ص ۳۲۰.

۳. سیاح، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، ص ۱۱۰ - ۱۰۹.

۴. سعیدی سیرجانی، *گزارش‌های خفیه نویسان انگلیسی در ولایات جنوبی ایران از ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری*، ص ۳۱.

۵. همان، ص ۵۰۹.

سپاهی بی‌کم‌وکاست سر هر ماه برسد. وی به این معنی پی برده بود که تنگ‌دستی یکی از عوامل عمده مداخل و یکی از انگیزه‌های نادرستی و زورستانی دیوانیان است. سرباز گرسنه و دیوانی موجب نرسیده دست به هر کاری می‌زد بنابراین امیر سعی کرد موجب به‌موقع پرداخت گردد. پس از این اقدام، امیر فرمانی به حکام ولایات و مباشران مالیه و سرکردگان لشکر صادر کرد مبنی بر منسوخ شدن آیین رشوه و سیورسات در مملکت؛ پس از صدور این فرمان، حاکم خطا پیشه مورد بازخواست قرار می‌گرفت و معزول می‌شد. مباشران و محصلان مالیاتی نیز در صورت ارتکاب خطا در دیوان‌خانه عدالت محاکمه می‌شوند. امیر برای مجرمین علاوه بر استرداد وجوه اخذ شده جریمه‌ای نیز مقرر کرده بود. محاکمه لشکریان و سپاهیان مطابق قانون نظام و تنبیه آنها نیز سخت‌تر بود. کسانی که در کسوت روحانیت رشوه‌خواری کرده بودند از کسوت روحانی خارج می‌شدند.

فرمان ابطال رسم سیورسات دامنه وسیعی داشت و اعلامیه‌هایی برای آگاهی مردم نیز انتشار یافت تا کسی نتواند با استفاده از بی‌اطلاعی مردم راجع به این قانون ظلمی روا دارد. این قانون جدید اثری نیکو داشت تا جایی که پالمرستون به وزیر مختار خود دستور داد که مراتب تهنیت او را به‌خاطر برانداختن آیین سیورسات به اطلاع امیرکبیر برسانند. او همچنین متذکر شد که این اصلاح عادلانه و خردمندانه امیرکبیر خدمت مهمی به تنظیمات دولتی ایران خواهد بود.^۱

دقت‌نظر امیر و مدیریت هوشمندانه او در مبارزه با مداخل‌جویی دیوانیان به‌حدی بود که وی هنگامی که قانون قرنطینه مرزی را برای جلوگیری از بیماری وبا وضع کردند و دستور دادند که مسافران را چندروزی نگه دارند، امیر برای جلوگیری از سوءاستفاده گماشتگان قرنطینه در حاشیه نامه‌ای که به حاکم کرمانشاهان نگاشت متذکر شد:

مراقب باشید که این عمل مایه مداخل مستحفظین نشود و بنای اذیت و آزار گذاشته متردین را به زحمت نیندازند.^۲

پیکار امیرکبیر با مفاسد اقتصادی عاملان حکومتی (رشوه‌خواری و ابطال سیورسات و ...) و سایر اصلاحات اقتصادی او مصداق بارزی از تأثیر عاملیت در اصلاح ساختار است. در پاسخ به این سؤال که چگونه در یک ساختار متصلب و خودکامه، عاملان توان تغییر در شرایط محصور را ایجاد می‌کنند و خودشان ساختار ساز می‌شوند؟ در این زمینه اراده کنشگر، عقلانیت و منش او نقشی اساسی ایفا می‌کند. به قول آدمیت، امیر با دو حربه کاری به پیکار برخاست؛ یکی با درستی، پاکدامنی و استحکام اخلاقی‌اش،

۱. آدمیت، *امیرکبیر و ایران*، ص ۳۲۱ - ۳۲۰.

۲. همان، ص ۳۲۲.

که با رشوه و عشوہ کسی فریفته نمی‌شد، و دیگر با سیاست سختی که به قانونش نیروی اجرایی بخشید، همان خصلتی که از آن با عنوان «نظم امیرخانی» یاد شده است.^۱

در میان رفتارهای ظالمانه کارگزاران حکومتی آنچه که بیش از سایر رفتارها مانع عمده‌ای در ترقی اقتصاد و رونق امور اقتصادی به‌شمار می‌آمد، مصادره اموال مردم بود. شاه و سایر حکام با زدن اتهامات ناروا می‌توانستند بر دارایی افراد مسلط شوند. مردم اگر ثروتی به‌دست می‌آوردند، آن را به خارج از کشور انتقال می‌دادند.^۲ در آثار روشنفکران قاجاری بحث امنیت سرمایه‌ها و دارایی مردم به شیوه‌های مختلف مجال طرح پیدا کرده به‌گونه‌ای که ملکم خان در رساله *اصول مذهب دیوانیان* در این زمینه می‌گوید:

مأمورین دولت به‌محض پوشیدن خلعت رذالت باید التزام بدهند که در هر جا یک ایرانی صاحب‌مایه سراغ نمایند، او را یک دقیقه آسوده نگذارند، تا اینکه به هر وسیله که ممکن شود، هست و نیست او را غارت بکنند و بدون تخلف قسمت اولیای ظلمت ایران را هرچه زودتر تقدیم حضور باهر انور نمایند.^۳

در بخشی از رساله *اصول ترقی* ملکم خان با اتخاذ رویکردی استدلالی و مقایسه‌ای به طرح این پرسش می‌پردازد که چرا «خلق ایران در ممالک خارجه خوب و خیلی زیاد کار می‌کنند اما در ایران خیلی کم و بد کار می‌کنند به این دلیل که در خارج یقین دارند که مالشان را هیچ‌کس نمی‌تواند بگیرد.^۴

یکی از منابع مهمی که می‌تواند در زمینه نقش اخلاقیات کارگزاران و به‌ویژه صدراعظم‌های دوره قاجار در مسائل اقتصادی در خور توجه باشد کتاب *خلسه* اثر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه است. موضوع اصلی این کتاب محاکمه یازده تن از صدراعظم‌های قاجاریه می‌باشد. علت این محاکمه چنانچه اعتمادالسلطنه در کتاب خود اشاره کرده، کشف علل ضعف سلسله قاجار و شناسایی عاملان آن است. نویسنده بنابر احتیاط سیاسی صرفاً وزرا را مسئول همه مسائلی که رخ داده قلمداد کرده و شاه را سایه خدا و از خطا و اشتباه میرا و شاهان را تنها در امر انتخاب وزیر مسئول دانسته است:

حرفی که با پادشاه هست در باب انتخاب وزیر است و بس، سخن‌های دیگر را وزیر با جواب گوید...^۵

۱. همان، ص ۳۲۰.

۲. طباطبایی، *تأملی درباره ایران نظریه حکومت قانون در ایران*، ص ۳۴۳.

۳. ملکم، *«اصول مذهب دیوانیان» در رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله*، ص ۳۰۳.

۴. همان، ص ۱۸۵.

۵. اعتمادالسلطنه، *خلسه*، ص ۴۲.

یکی از بخش‌های کتاب *خلسه* مربوط به استنطاق امین‌السلطان است. میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان در دوران سه پادشاه قاجار (ناصر، مظفر و محمدعلی شاه) مقام صدارت را به عهده داشته است. از جمله اعتراضات امین‌السلطان که در *خلسه* به آن اشاره شده خیانت پدرش در عیار مسکوکات می‌باشد. این نکته یعنی خیانت در عیار مسکوکات و کاستن از وزن مسکوکات در سایر منابع نیز از جمله خاطرات امین‌الدوله آمده است. در خاطرات امین‌الدوله در این زمینه اشاره شده که پدر امین‌السلطان با همکاری امین‌الضرب از وزن مسکوکات طلا کاسته و پول مسی را بی‌اندازه ضرب می‌کنند.^۱

شواهد مذکور حاکی از اهمیت ارزش‌ها و اصول اخلاقی به‌عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار در امنیت اقتصادی است. عدم پایبندی کارگزاران حکومتی به اصول اخلاقی و آلوده شدن آنها به فساد و خیانت در آن دوره عدم اعتماد و بدبینی اجتماعی را دامن زده است.

بی‌کفایتی عمال حکومت در هنگامه قحطی

یکی از عوامل آسیب‌زای اقتصادی در دوره قاجار که امنیت اقتصادی مردم را در معرض مخاطره قرار می‌داد، معضل قحطی است. در هنگامه قحطی اضطرار مردم در خوردن مواد نامناسب و آلوده نظیر گوشت مردار و سگ و گربه زمینه ابتلای مردم به بیماری‌های عفونی و واگیر را فراهم می‌ساخت. از مصادیق ناامنی در این ایام دزدیدن اطفال و خوردن آنهاست.^۲ افزایش تلفات انسانی، اوضاع نابسامان راه‌ها، استقرار اشراک باج‌گیر در گردنه‌ها، گرانی ارزاق،^۳ کمبود و گرانی غله و ارزاق عمومی و^۴ افزایش آمار جرم و جنایت و دزدی،^۵ چشم‌اندازی از وخامت اوضاع و مصادیقی از ناامنی در آن روزگارند. بروگش و عین‌السلطنه گزارش‌هایی در مورد تأثیر قحط و غلّا در سقوط اخلاقیات و هنجارشکنی‌های اجتماعی در آن دوره ارائه داده‌اند.^۶ در این میانه غفلت زمامداران و عدم مدیریت صحیح بر وخامت اوضاع افزود. در این شرایط اسفناک به‌جای تدبیر و چاره‌جویی به قول احتشام‌السلطنه، شاه و وزرا به دور از پایتخت به سر می‌برند و مردم تنها راه رفع مشکل خود را در پختن آش نذری و خواندن روضه می‌جستند.^۷

۱. امین‌الدوله، *خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین‌الدوله*، ص ۶۱

۲. احتشام‌السلطنه، *خاطرات احتشام‌السلطنه*، ص ۱۲؛ ناطق، *مصیبت وبا و بلای حکومت*، ص ۱۸.

۳. کتابی، *قحطی‌های ایران*، ص ۳۷؛ ویلز، *سفرنامه دکتر ویلز: ایران در یک قرن پیش*، ص ۲۹۰.

۴. سیاح، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، ص ۵۶؛ مستوفی، *شرح زندگانی من*، ج ۱، ص ۱۱۰.

۵. ویلز، *سفرنامه دکتر ویلز: ایران در یک قرن پیش*، ص ۲۸۷ - ۲۸۹.

۶. بروگش، *در سرزمین آفتاب*، ص ۵۸۷؛ قهرمان میرزا، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ج ۵، ص ۳۵۵۰.

۷. احتشام‌السلطنه، *خاطرات احتشام‌السلطنه*، ص ۱۷۳.

در قحطی ۱۲۸۷ ق ناصرالدین شاه در کرمانشاه به سر می‌برد. وی ضمن گفتگوی تلگرافی، از کارگزاران دولت در تهران، درباره اوضاع و احوال عمومی و از جمله قحطی و وبا استفسار کرد و آنان، بدون کمترین احساس مسئولیتی، بی‌شرمانه، چنین دروغ‌هایی را به او تحویل دادند: «اموال‌ها خیلی خوب است، تازه‌ای که قابل عرض همایون باشد هیچ نیست. از هر جهت امنیت آسودگی حاصل است ... طهران کمال نظم و خوب را دارد. جنس به قاعده به انبارها می‌رسد. هیچ قسم از تهران نگرانی نداشته باشید»^۱

مقامات دیوانی و کارگزاران دولتی در این شرایط بحرانی به‌جای اقدامات مثبت در جهت کنترل اوضاع درصدد تشدید آن بر می‌آمدند. اقدامات آنها اغلب در زمینه تعیین نرخ‌های غیرمعقول و تحمیلی برای گندم و نان و مجازات‌های خشن برای غلامان و نانویان بود، و در زمینه مقابله با محتکرین و مجازات آنها اقدامی صورت نگرفت، چه بسا که در مواردی حاکم با محتکاران همراه و همدست شد. در این زمینه واعظ اصفهانی در رساله خود از همدستی شیخ محمدباقر مجتهد اصفهانی با ظل‌السلطان مسعود میرزا در بلوای سنه ۱۲۹۶ ق اصفهان و احتکار غله توسط فرزند این مجتهد انتقاد کرده و خطاب به شیخ محمدتقی پسر شیخ محمدباقر اصفهانی می‌گوید:

... در عوض نعمت‌های گوناگون ما آخر بگو چه خدمتی کردی؟ مگر نه ما شرع خود را ظاهراً به تو سپردیم، چه خدمتی به ملت اسلام کردی؟ چه بنای خیری نهادی؟ تمام جز اینکه در فکر تسعید و جمع غله بودی و وسعت املاک خود را کوشش می‌نمودی؟ چه کاری نمودی؟ چه عبادتی روحانی کردی و شربتی برای راحت خلق ما بردی؟ چه اذیتی برای آسایش فقرا کشیدی؟ چه همتی در ترقی عموم ملت اسلام نمودی؟^۲

احتکار چه در مواقع عادی و چه در هنگامه قحطی آفتی بود که بیش از همه به طبقات فرودست آسیب می‌رساند. طالبوف در *مسالك المحسنين* در این زمینه می‌نویسد:

... قیمت املاک ده بر یک ترقی نموده، گندم بهای خون مردم شده، از آسمان احتکار برای زهاد گندم‌پرست اوراد جدید نازل گشته: اللهم ارزقنا قریه واسعه و مزرعه تاسعه.^۳

ضعف‌های ساختاری و تأثیر آن بر عملکرد نهادهای اقتصادی

نظام قاجاریه مبتنی بر یک ساختار پاتریمونیالیستی بود که شاخصه‌های کلیدی آن وجود یک دستگاه اداری و نظامی وابسته به شخص حاکم است. کرزن این نام را سلطنت مطلقه توصیف می‌کند که شاه

۱. کتابی، *قحطی‌های ایران*، ص ۳۳.

۲. واعظ اصفهانی، *رسائل قاجاری*، کتاب پنجم: *روای صادقه*، ص ۱۷ و ۲۸ - ۲۷.

۳. طالبوف، *مسالك المحسنين*، ص ۲۱۹ - ۲۱۸.

محور اصلی آن است و هرگونه سیاستی از او ناشی می‌شود. او حکومت ایران را کاربرد خودکامانه قدرت از سوی تعدادی خودکامه از بزرگ تا کوچک یعنی از شاه تا کدخدای یک ده توصیف کرده است.^۱

به باور آبراهامیان این استبداد نه به واسطه آگاهی از نحوه اداره یک نظام دیوان‌سالار بلکه با هنر فریب دادن اقوام و اجتماعات تداوم یافت. شاه می‌توانست با تداوم سیاست «تفرقه بنداز و حکومت کن» خود، از دشمنان قدیمی یک گروه متمرّد برای سرکوبی آنها بهره گیرد.^۲ در واقع نظام خودکامه قاجار فاقد شاخصه‌های یک «حکمرانی خوب» بود. نظریه پردازان علوم سیاسی شاخصه‌های حکمرانی خوب را حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت دانسته‌اند.^۳ فقدان این شاخصه‌ها در ساختار نظام قاجار ابعاد مختلف امنیت آحاد جامعه را در معرض تهدید قرار می‌داد. در میان این شاخصه‌ها بی‌قانونی از آسیب‌های اصلی نظام دیوانی قاجار و ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی و اقتصادی قلمداد شده است.^۴ پولاک در اشاره به کیفیت بوروکراسی این دوره برای تبیین مصادیق بی‌قانونی در ایران از فقدان دفاتر اسناد رسمی سخن گفته و این امر را سبب صدور اسناد جعلی و تملک دارایی‌های دیگران می‌داند.^۵

یکی از مباحث مهم در ارزیابی تأثیر ساختار نظام قاجاریه در وضعیت امنیت اقتصادی، عملکرد نهادهای اقتصادی است. نهادهای اقتصادی شکل‌دهنده محیط اقتصادی هستند؛ این نهادها خود توسط نهادهای سیاسی شکل یافته و از آنها تأثیر می‌پذیرند. اینکه چه نوع نهاد اقتصادی در جامعه برقرار خواهد شد، به این موضوع بستگی دارد که چه کسی قدرت سیاسی برای ایجاد یا مسدود کردن نهاد اقتصادی را در اختیار دارد.^۶ در نظام خودکامه قاجار که اساس آن بر سفته‌پروری و سفیه‌نوازی،^۷ خویشاوندگرایی^۸ و نخبه‌کشی استوار بود، مجالی برای تکوین شاخصه‌های حکمرانی مطلوب و عملکرد نهادهای اقتصادی، بر مدار قانونی و سالم فراهم نمی‌شد. در ذیل ضمن بررسی عملکرد شماری از نهادهای اقتصادی تأثیر ساختار در آنها مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱. کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ص ۳۹۱.

۲. آبراهامیان، *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ص ۵۵.

۳. عیسی‌زاده و احمدزاده، «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی» (مطالعه موردی بین‌کشوری برای دوره ۱۹۹۶ - ۲۰۰۵)، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۴۰، ص ۱ - ۲۸.

۴. مراغهای، *سیاحتنامه ابراهیم بیگ*، ص ۶۷ و ۲۹۸.

۵. پولاک، *ایران و ایرانیان*، ص ۲۲۵.

۶. عیسی‌زاده و احمدزاده، «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی» (مطالعه موردی بین‌کشوری برای دوره ۱۹۹۶ - ۲۰۰۵)، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ص ۶.

۷. طباطبایی، *مکتب تبریز و مبانی تجدد خواهی در ایران*، ص ۵۲۶.

۸. سپهر، *ناسخ‌التواریخ*، ج ۱، ص ۱۱۰.

جایگاه صرافی‌ها در ساختار اقتصادی

قبل از تأسیس بانک در ایران (۱۳۰۵ ش) امور بانکی را صرافان انجام می‌دادند. گستره کارکردی صرافان در عهد قاجار به قرار ذیل است:

- تبدیل مسکوکات: تسلط صرافان بر اوزان و ارزش فلزات، نحوه تبدیل مسکوکات (داخلی و خارجی) و تبدیل سریع پول در نوسانات بازار؛

- برات: در ساختار اقتصادی ایران برات نوعی حساب جاری در تأمین امور بانکی داخل و خارج از کشور به‌شمار می‌رفت. گزارش نقدینگی توسط صرافان که حتی مدت‌ها پس از آغاز به کار دو بانک شاهی و استقراضی نیز دوام آورد، از طریق دو دسته برات دیوانی و تجاری صورت می‌پذیرفت. برات دیوانی احاله وجه به معتمدان و متنفذانی چون علما و صاحبان مناصب بود که آنها را مستمری و مقرری می‌خواندند. برات تجاری نیز در بیشتر مواقع با ذکر زمان پرداخت، امکان دریافت وجه نقد را فراهم می‌ساخت و سود هنگفتی برای صرافان داشت.^۱

- فعالیت صرافان در عرصه زراعت: بخشی از کارکردهای صرافان مشارکت در مبادله محصولات زراعی بود. براین اساس پس از توافق تجار و ارباب بر قیمتی مشخص حواله‌ای در وجه تاجر صادر می‌گردید که تأدیه آن پس از برداشت محصول بود. اما باتوجه به خرید نقدی محصولات پیش از سررسید قرارداد مالک با کسری از مبلغ توافقی یا به‌صورت برات آن را حواله می‌کرد که در این میان استفاده قابل‌توجهی نصیب صرافان می‌شد. در صورت تعویق بازپرداخت وام، تصرف اراضی امانی که به‌عنوان تضمینی در انجام به‌موقع تعهدات بود آنها را در جرگه زمین‌داران قرار می‌داد.

- مشارکت در خریدوفروش مناصب حکومتی: باتوجه به اینکه مناصب حکومتی و اجرایی همانند کالایی تجاری در معرض خریدوفروش قرار داشت، دستیابی به آن مناصب و بقای آن نیز بدون پرداخت رشوه و ... به درباریان غیرممکن بود. براین اساس صرافان با دریافت مبالغی هنگفت با بهره بالا در وجه خزانه حواله‌هایی به نام شخص متقاضی منصب صادر می‌کردند و در عمل مقروض حکومت می‌شدند، اما در چنین مواردی سود و زیان صراف رویکردی دو سویه داشت. با آنکه حاکم پس از عزیمت به محل قدرت وام خود را با بهره‌ای هنگفت تأدیه می‌کرد اما اگر فرد در جلب حمایت بخشی از درباریان ناکام می‌ماند نه تنها بهای هزینه تعارفات را از دست داده بود بلکه برای صراف راهی جز اکتفا به وجهی پایین‌تر و یا حداکثر دریافت همان مبلغ دریافتی وجود نداشت.^۲

۱. تشکری بافقی، «نهاد صرافی و کارکرد تجارتخانه جمشیدیان در دوره قاجار»، *تاریخ ایران*، ش ۶۵-۶۴، ص ۴.

۲. همان، ص ۶-۵.

ضعف‌های ساختاری ضرب‌خانه‌ها و معضلات پولی

کرزن در کتاب *ایران و قضیه ایران* ذیل عنوان «ضرب‌خانه دولتی» توضیحاتی در مورد ضرب‌خانه‌های ایران در عصر ناصری آورده است. وی در این توضیحات اشاره می‌کند که در سابق تقریباً هریک از شهرهای ایران نظیر تبریز، اصفهان، کرمان، مشهد، کرمانشاه، رشت، استرآباد، قم، مازندران و سیستان ضرب‌خانه جداگانه‌ای داشت. در این ضرب‌خانه‌ها سکه‌های محلی ضرب می‌شد. به عقیده کرزن اینکه در هر شهری سکه‌ای خاص ضرب می‌شد به آشفتگی اوضاع می‌انجامیده و این وضع آشفته عامل عمده تقلب بود و سکه‌های تقلبی بسیار زیاد بود به حدی که دولت سرانجام ناگزیر شد که بی‌اعتباری همه سکه‌های چکشی قدیمی را اعلام کند. ناصرالدین شاه به وزیر مختار خود در پاریس دستور داد که ماشین‌های لازم جهت ضرب سکه خریداری و همچنین کارشناسان فرانسوی برای امور مربوط به ضرب سکه استخدام شوند. براساس اظهارات کرزن این کارشناسان وارد تهران شدند و ماشین‌آلات که صندوق‌های آن به‌جای سوخت در کشتی مصرف شده بود روی شن‌های انزلی افتاده و خراب شده بود و هیچ حیوان باربری به اندازه کافی قوی نبود که دیگ بخار و چرخ‌های ماشین را حمل کند، حتی [فیل همایونی] نیز قادر به انجام حمل این تجهیزات نبود. این مشکلات، اجرای نقشه ضرب سکه را مدتی به تعویق انداخت تا اینکه در ۱۲۹۴ ق / ۱۸۷۷ م که سکه‌های جدید رواج داشت و عمارت وسیعی در حوزه شمالی تهران که قبلاً به قصد کارخانه پنبه‌ریسی مورد آزمایش قرار گرفته بود به ضرب‌خانه سلطنتی تبدیل شد. این کارخانه به‌عنوان تنها ضرب‌خانه ایران که یک نفر سرکارگر آلمانی و بیشتر سکه‌های فرانسوی داشت زیر نظر امین‌السلطان کنترل می‌شد.^۱

فراگنر در کتاب خود ضمن اشاره به کاهش دائمی پول ایران در طی سده ۱۹ م، از وجود دارالضرب‌های دولتی مختلف در شهرهای ایران سخن گفته است. وی در مورد نحوه عملکرد دارالضرب‌های دولتی در شهرهای بزرگ ایران اظهار می‌دارد که حق ضرب سکه در ازای مبلغ معینی در سال به اشخاص ثروتمند به مقاطعه واگذار می‌گردید و به‌دلیل عدم رسیدگی دقیق دستگاه مالیه، تقلب در وزن و عیار سکه‌های نقره امری رایج بود. فراگنر خرابی وضع مسکوکات ایران را ناشی از خودسری و تقلب مقاطعه‌کاران دارالضرب‌ها می‌داند.^۲ فراگنر در ادامه بحث خویش به اقدامات امین‌الدوله در اصلاح امور مالی کشور اشاره می‌کند. براساس اظهارات فراگنر طرح امین‌الدوله برای اصلاح وضع مالیه مبتنی بر اصول زیر بود:

۱. کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ص ۶۱۳ - ۶۱۲.

۲. فراگنر، *خاطرات نویسی ایرانیان*، ص ۱۳۰.

- برچیده شدن ضرب‌خانه‌های شهرستان‌ها؛
- انجام ضرب مسکوکات در پایتخت؛
- اصلاح دستگاه‌ها و ابزار فنی ضرب‌خانه تهران؛
- تعیین وزن معینی برای قران و کلیه سکه‌هایی که از آن پس ضرب می‌شد؛
- جلوگیری از انتشار بی‌رویه سکه‌های مسی؛
- تعدیل دخل و خرج مملکت جهت رفع مشکل کمبود پول.

اساس طرح مالی امین‌الدوله را فرانس پخان، مستشار اتریشی، تهیه کرده بود. طرح پخان پیش‌بینی می‌کرد که قران به صورت مسکوک پایه به وزن یک مثقال (۴/۶ گرم) و با عیار ۹۰۰ - ۱۰۰۰ ضرب شود. قران هم‌چون گذشته واحد رسمی پول ایران باقی می‌ماند اما سایر سکه‌هایی که نام‌های دیگری داشت به مرور و در چند مرحله جمع‌آوری می‌شد. علاوه بر این اقدامات، پخان در نظر داشت که ضرب‌خانه تازه‌ساز را با ماشین‌آلات جدید ساخت اروپا تجهیز نماید. هنگامی که امین‌الدوله درصدد برآمد که طرح‌های خود را به مجلس دربار و شورای وزرا بقبولاند با مقاومت شدید اعضای آن روبه‌رو شد. وی به‌ویژه مجبور بود با بسیاری از کارمندان دیوان و دربار که معنای سیاست مالی را صرفاً افزایش عواید دولت از ضرب‌خانه می‌دانستند مبارزه کند. شاه نیز به دلیل مخارج بالای طرح پخان با عقیده دولتی‌ها موافق بود. از این رو امین‌الدوله مجبور شد طرح مالی پخان را پس بگیرد. با وجود این امین‌الدوله توانست موافقت شاه را با طرح اصلاحی که خودش تهیه کرده بود به دست آورد. با وجود این تلاش‌ها ناصرالدین شاه همچنان نسبت به فواید اصلاح مالیه به دیده تردید نگریست و با تنزل عایدات دولت از ضرب‌خانه موافق نبود.^۱

امین‌الدوله با وجود سرمایه‌گذاری‌های خود در تأسیسات جدید نتوانست در اصلاحات مالیه موفق شود. بدین ترتیب حاج محمد اصفهانی جانشین امین‌الدوله شد و به لقب امین‌الضرب ملقب گردید. امین‌الدوله پس از استعفا از مدیریت ضرب‌خانه، همچنان به بهبود امور مالی کشور علاقه‌مند بود. براساس یادداشت‌های فراگتر امین‌الدوله هنگام تصدی ریاست شورای وزیران بارها در مقابل اقدامات امین‌الضرب موضع خصمانه گرفت تا جایی که در سال ۱۳۰۵ ق موفق شد که امین‌الضرب را معزول و نصرالسلطنه را به جای وی بنشانند.^۲ امین‌الضرب دو سال بعد دوباره مسئولیت ضرب‌خانه را به دست آورد. امین‌الدوله در ۱۸۹۵ م در مخالفت با امین‌الضرب و برای جلوگیری از تنزل ارزش قران طرحی به شورای وزیران مبنی بر لزوم کاهش ضرب سکه‌های مسی ارائه داد و موافقت اکثر شورای وزیران را با این پیشنهاد به دست آورد.

۱. همان، ص ۱۳۲ - ۱۳۱.

۲. همان، ص ۱۳۴ - ۱۳۳.

با وجود این امین‌الدوله در این کار شکست خورد.^۱ زیان‌هایی که در این دوره به واسطه اغتشاش مسکوکات ایران به اقتصاد ایران وارد شد، به تعبیر ملکم خان سخت‌تر و وسیع‌تر از مصائبی است که از غارت‌های ترکمن بر ولایات خراسان پدید آمد.^۲

افزون بر مشکلات ضرب‌خانه‌ها، کمبود پول در این دوره از جمله عواملی است که سهم مهمی در بروز ناامنی اقتصادی داشته است. کمبود پول که امری ملی به‌شمار می‌آمد، امنیت معیشتی مردم را به مخاطره انداخته، موجبات ورشکستگی و پریشانی آنها را فراهم می‌ساخت. در ریشه‌یابی دلایل کاهش پول باید از افزایش واردات، تولید اندک و تنزل تدریجی کیفیت کالاهای داخلی سخن گفت. قزوینی در کتابچه قانون خویش یکی از علل خارج شدن ثروت ایران را ورود کالاهای تزئینی و فاقد ارزش دانسته که عدم خرید آنها مشکلی در امور مملکت و رعیت پدید نمی‌آورد. قزوینی این کالاها را «اشیای پرپوچ» می‌نامد.^۳ عامل مؤثر دیگر در کمبود پول در این دوره، فقدان امنیت مالی است، به همین دلیل مردم ثروت خویش را به خارج انتقال می‌دادند.^۴

نابسامانی‌های امور مالیه

بررسی شواهد تاریخی در دوره قاجار حاکی از نابسامانی‌های مالیاتی نظیر افراط حکام ایالات در اخذ مالیات و اختلاف در نحوه وصول مالیات است.

جمال‌زاده در کتاب خویش از تفاوت و اختلاف منشأ مالیات و طرز وصول و نحوه مالیات‌بندی در ایران عصر قاجاریه سخن گفته است. وی بحث خویش را با آوردن مثال‌هایی از ایالات مختلف مستند نموده است. وی در این زمینه اظهار می‌دارد که در آذربایجان به سبب اراضی حاصلخیز آن عمده مالیات (قسمت اعظم) به زمین و محصولات زمینی تعلق می‌گیرد در صورتی که در ولایات دیگر مالیات به گاوهایی تعلق می‌گیرد که برای شخم زدن اراضی از آنها استفاده می‌شود. در نقاط دیگر مالیات هم به اراضی، هم به محصولات و هم به گاو تحمیل می‌شود.^۵

جمال‌زاده در اشاره به انواع مالیات‌های گوناگون در این دوره مالیات رایج در ولایات گروس و کردستان را مثال می‌زند که رعایا به‌هنگام نقل مکان از ملکی به ملک دیگر ناگزیر بودند مبلغی از

۱. همان، ص ۱۳۵ - ۱۳۴.

۲. ملکم، «اصول مذهب دیوانیان» در رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، ص ۱۷۹.

۳. طباطبایی، تأملی درباره ایران، نظریه حکومت قانون در ایران، ص ۳۴۳.

۴. همان.

۵. جمال‌زاده، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، ص ۱۲۱.

۳۴ قران تا ۸ تومان به عنوان مطلق العنانی و آزاد بودن به حکومت و پیشکار مالیه پرداخته و ورقه اجاره نامه به اسم تعلیقه را دریافت دارند. بدون ورقه مذکور هیچ یک از رعایا حق تغییر محل را نداشتند. بعدها در آغاز مشروطیت چون مالیات مذکور مغایر با آزادی فردی بود، وزارت مالیه با اجازه مجلس در ۱۳۳۳ ق آن را منسوخ نمود.^۱

لمبتون در کتاب **مالک و زارع در ایران** در مورد وضعیت مالیات گیری در دوره قاجاریه توضیحاتی ارائه نموده، اظهار می دارد در دوره قاجاریه درآمدهای مالیاتی را به مقاطعه می گذاشتند. عباس میرزا در زمانی که فرمان فرمای ایالت آذربایجان بود تا حدی این رسم را بر انداخت و در زمینه تثبیت میزان مالیات ایالت نظم و ترتیبی قرار داد. در ادامه لمبتون با استناد به قول مالکم از ارتباط وصول مالیات با شیوه اجرای عدالت در مملکت سخن گفته است. از آنجایی که دستگاه های قضایی و مالی کشور تحت ریاست یک نفر بود این اقتدار بسته به خلق و خوی او برای مردم می توانست شوم و یا فرخنده باشد.^۲

لمبتون در شرح وضعیت مالیات گیری مثالها و شواهدی را از ایالات مختلف آورده است. در این زمینه نیز وی به رقم اصلی مالیات شمس آباد، واقع در حوالی قم، که خود ۶۰۰ تومان بوده اشاره کرده و اظهار می دارد که بر اثر وضع مالیات های گوناگون به حدی بر مقدار آن افزوده شد که سرانجام به مبلغ ۳۵۰۰ تومان رسید. این بار سنگین، دهقانان آن منطقه را از پای درآورد و املاک آنان بابت مالیات عقب افتاده به مصادره دیوان درآمد.^۳ ویلهم لیتن، کنسول آلمان در تبریز در تبیین سیاست های مالیاتی دوره قاجار، مناسبات متقابل و نفوذ سیاسی را در امر مالیات گیری دخیل دانسته، اظهار می دارد در شرایطی که بسیاری از شخصیت های متنفذ و سرشناس در دوره قاجار اصلاً مالیات نمی پرداختند، روستاهایی وجود داشت که می بایستی دو سوم درآمد خود را به دولت بپردازند.^۴

علاوه بر انواع مالیات ها، رسم «سورسات» بار سنگینی بر دوش زارعین بود. سورسات را نه تنها مأموران دولتی بلکه بزرگان و قاصدانی که به حکم شاه سفر می کردند نیز از دهقانان می گرفتند. اسلوب مالیات ارضی در ایران عصر قاجاریه را به تعبیر لمبتون می توان با صفاتی چون انحطاط، سوء تدبیر، ظلم و ناامنی^۵ توصیف نمود. با وجود این ساختار آشفته مالیات گیری در این دوره می توان تأثیر برخی از اقدامات اصلاحی کارگزارانی چون امیرکبیر را در سامان دهی امور مالیاتی مشاهده کرد. با وجود عدم تداوم

۱. همان، ص ۱۲۱.

۲. لمبتون، **مالک و زارع در ایران**، ص ۲۷۴.

۳. همان، ص ۲۷۶.

۴. لیتن، **ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی**، ص ۱۹۵.

۵. لمبتون، **مالک و زارع در ایران**، ص ۲۸۴.

این گونه سیاست‌های اصلاحی، اقدامات امیرکبیر در اصلاح امور مالیاتی نشانگر تأثیر نقش کارگزاران در این عرصه است.^۱

سهام سیاست‌های گمرکی در آسیب‌پذیری امنیت اقتصادی

عواید دولت از گمرکات همواره یکی از درشت‌ترین ارقام دولتی بوده و معمولاً گمرکات کشور را در این دوره به اشخاص مختلف اجاره می‌دادند و این رسم تا ۱۳۱۷ ق م معمول بوده است. میزان اجاره گمرکات در سال‌های مختلف غالباً ثابت و تفاوت آن بسیار کم بوده است. مأمورین گمرکات هر یک از ایالات مرزی ایران مانند آذربایجان، خراسان، کردستان، کرمانشاهان، خوزستان، فارس، کرمان و بلوچستان در حدود ۲۰ درصد بیش از مبلغی که بابت اجاره سالانه به دولت پرداخت می‌کردند، درآمد داشتند. عوارض گمرک هم از واردات و هم از صادرات گرفته می‌شد و نرخ آن برای اتباع ایران سه درصد و برای اتباع بیگانه ۵ درصد بود. اما دولت روسیه در برابر اعطای وام به ایران نرخ گمرکات را در مورد کالاهای صادراتی خود به ایران برای نفت ۱/۵ درصد و برای شکر تا ۲۱/۴ درصد تقلیل داد و کمی بعد انگلستان نیز نظیر این امتیاز را در مورد کالاهای خود از مظفرالدین شاه به دست آورد.^۲ علاوه بر این روس و انگلیس در این دوره بارها گمرکات ایران را به‌عنوان تضمین پرداخت قروض و بدهی‌های دولت قاجار به بانک‌های خود به گرو گرفتند. برای نمونه در ۱۹۱۱ م بانک شاهی در ازای پرداخت‌های متعدد به دولت ایران از جمله اعطای قرضه‌ای به مبلغ ۱،۲۵۰،۰۰۰ لیره، امتیاز گمرکات جنوب را به مدت ۵۰ سال دریافت نمود.^۳

ملکم خان در نقد سیاست‌های اقتصادی دولت قاجار، گمرک‌های داخله را از جمله سرمشق‌های نادر جهالت دولتی دانسته، اظهار می‌دارد:

در کل دنیا یک دولت گمرک‌های داخله دارد و آن دولت ایران است. گمرک‌های داخله ما علاوه بر ضررهای کلی که به تجارت ما وارد آورده، اولیای دولت ایران را در خارج رسوا کرده، زیرا که وزرا و علمای خارجه طرز اداره ما و درجه فهم و کفایت اولیای ما را همیشه از روی این خبط قبیح مشخص می‌کنند.^۴

سوءمدیریت دولت در امور گمرکات، علاوه بر زیان‌های اقتصادی اعتماد جامعه را نسبت به دولت کاهش می‌داد و تضاد و تنش را در روابط دولت و ملت رقم می‌زد.

۱. آدمیت، *امیرکبیر و ایران*، ص ۲۷۷ - ۲۷۶.

۲. شمیم، *تاریخ ایران در دوره سلطنت قاجار: قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری*، ص ۳۵۴.

۳. لیتن، *ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی*، ص ۳۳.

۴. ملکم، «*اصول مذهب دیوانیان*» در *رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله*، ص ۱۷۸.

تأثیر مناسبات خارجی در عدم امنیت اقتصادی

ضعف‌های ساختاری وزارت امور خارجه ایران، دیپلماسی ایران، همچنین سوء عملکرد برخی از کارگزاران این حوزه سبب بروز مشکلاتی در عرصه حیات اقتصادی آحاد جامعه ایران قاجاریه گردید و امنیت شغلی برخی از طبقات به‌ویژه تجار را در معرض تهدید قرار داد. از جمله تأثیرات مناسبات خارجی ایران عصر قاجار در فقدان امنیت را می‌توان در موارد ذیل بر شمرد:

- نفوذ دول استعماری و قرار گرفتن ایران در مدار وابستگی؛
- تأسیس بانک‌های خارجی و گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان؛^۱
- آسیب دیدن صنایع دستی و تولیدات داخلی بر اثر واردات کالاهای خارجی؛
- ادغام تدریجی اقتصاد ایران در نظام سرمایه‌داری جهانی؛
- تسلط خارجیان بر منابع اقتصادی کشور از طریق اخذ امتیازات و انعقاد عهد نامه‌های تجاری؛
- نمونه‌ای از این عهدنامه‌ها معاهده ترکمانچای است که برخی از مفاد آن متضمن کاهش تعرفه گمرکی برای کالاهای روسی بود. نمونه دیگر معافیت مالیاتی بانک شاهی انگلیس و شعبات آن است.^۲
- تصدی برخی از مناصب اقتصادی توسط بیگانگان نظیر تصدی گمرکات توسط نوز بلژیکی همچنین استخدام چند نفر فرانسوی در رده‌های پایین گمرک؛^۳
- جنگ‌های ایران و روس و عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای و پرداخت غرامت‌های سنگین؛
- مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور.^۴

نتیجه

نابرابری‌ها در توزیع ثروت، تضاد طبقاتی، مصادره ناروای اموال، عدم امنیت شغلی و بیکاری، رواج ارتشاء، احتکار و اختلاس، نحوه اداره گمرکات و آشفته‌گی مسکوکات، نشان دهنده نابسامانی‌ها و عدم امنیت اقتصادی در دوره قاجار است. سوءمدیریت دولت در امور گمرکات علاوه بر زیان‌های اقتصادی، اعتماد جامعه را نسبت به دولت کاهش می‌داد و تضاد و تنش را در روابط دولت و ملت رقم می‌زد. در تبیین علل عدم امنیت اقتصادی در سطوح فردی و جمعی در این دوره باید از تأثیرگذاری و

۱. فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، ص ۱۷۵.

۲. تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، ص ۱۹۶ - ۱۹۵.

۳. لندور، در سرزمین آرزوها، ص ۱۲۹.

۴. سجادی‌پور، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس تاریخ روابط خارجی، مجموعه جستارهایی پیرامون تاریخ روابط خارجی ایران ۱۵، ج ۲، ص ۱۰۳ - ۱۰۲.

مدخلیت ساختار و کارگزار و هم‌کنشی‌های این دو عامل سخن گفت. سطره مناسبات پاتریمونیالیستی و تأثیرات این ساختار سیاسی در ساختار اقتصادی و عملکرد نهادهای مربوط به آن، فقدان قانون و خلاء سیستم نظارتی، همه از کاستی‌های ساختاری و تأثیر آن حکایت دارد. با وجود این ساختار متصلب، نمی‌توان آن سوی این معادله که متضمن نقش کنشگران و اراده عاملان انسانی است را نادیده گرفت. نقش آفرینی کارگزاران را باید از دو منظر متفاوت نگریست. یکی نقش کنشگران فاسد که با آگاهی از قواعد بازی سیاسی، در کسب منافع و تضمین مناصبشان از هیچ مفسده و ستمی دریغ نمی‌کردند و دیگری نقش متفاوت برخی کارگزاران مصلح نظیر امیرکبیر است که قابلیت‌های لازم برای تغییر شرایط محصور را داشتند. از این عاملیت می‌توان تحت‌عنوان کنشگران ساختارساز یاد کرد.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، پرواند، *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، پردیس دانش، ۱۳۹۳.
۲. آدمیت، فریدون، *امیرکبیر و ایران*، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۴.
۳. آدمیت، فریدون، ناطق، هما، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و آثار منتشر نشده دوره قاجار*، تهران، آگاه، ۱۳۵۶.
۴. آقا محمدی، ابراهیم، «چهارچوب تحلیلی ساختار - کارگزار در سیاست خارجی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ۶، شماره ۴، ص ۷-۲۷، پاییز ۱۳۹۰.
۵. اتحادیه، منصوره، *اینجا طهران است، مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۳۴۴ - ۱۲۶۹ هجری قمری*، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۹۵.
۶. احتشام السلطنه، میرزا محمدخان، *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش محمد مهدی موسوی، تهران، زوار، ۱۳۶۶.
۷. اعتماد السلطنه، محمدحسن، *خلسه*، به کوشش محمود کتیرایی، تهران، طهوری، ۱۳۵۷.
۸. امین الدوله، میرزا علی خان، *خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۱.
۹. بروگش، هنریش، *در سوزمین آفتاب*، ترجمه مجید جلیلود، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۱۰. پولاک، یاکوب ادوارد، *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸.
۱۱. تشکری بافقی، علی اکبر، «نهاد صرافی و کارکرد تجارتخانه جمشیدیان در دوره قاجار»، *تاریخ ایران*، ش ۵ / ۶۴، ص ۲۳ - ۱، ۱۳۸۹.

۱۲. تیموری، ابراهیم، *عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران، اقبال، ۱۳۲۲.
۱۳. جمال زاده، سیدمحمدعلی، *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، تهران، موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۷۶.
۱۴. حقیقت، سیدصادق، «مسئله ساختار / کارگزار در علوم اجتماعی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، سال ۱۶، ش ۶۴ و ۶۵، ص ۱۴۷-۱۶۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۱۵. سپهر، محمدتقی، *ناسخ التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، ج ۱، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
۱۶. سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم، مجموعه مقالات نخستین کنفرانس تاریخ روابط خارجی، *مجموعه جستارهایی پیرامون تاریخ روابط خارجی ایران ۱۵*، ج ۲، تهران، اداره مطالعات اسناد و تاریخ روابط خارجی، ۱۳۹۷.
۱۷. سند شماره ۲ / ۷۱۵۵۹ اسناد آستان قدس رضوی.
۱۸. سیاح، محمدعلی، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار، ابن‌سینا، ۱۳۴۶.
۱۹. سیف، الله‌مراد، «مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال ۳، ش ۹، ص ۷-۳۵، ۱۳۸۹.
۲۰. شمیم، علی اصغر، *تاریخ ایران در دوره سلطنت قاجار: قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری قمری*، تهران، مدبر، ۱۳۷۴.
۲۱. شیل، لیدی، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نو، ۱۳۶۲.
۲۲. طالبوف، عبدالرحیم، *مسالك المحسنين*، به کوشش محمد رضائی، تهران، چاپخانه قادر، بی‌تا.
۲۳. طباطبایی، جواد، *مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی در ایران*، تبریز، ستوده، ۱۳۸۵.
۲۴. طباطبایی، جواد، *تأملی درباره ایران نظریه حکومت قانون در ایران*، تبریز، ستوده، ۱۳۸۶.
۲۵. عزیززاده بیرجندی، زهرا، ناصری، اکرم، «منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال ۳، ش ۶، ص ۱۳۹-۱۶۵، ۱۳۹۲.
۲۶. عیسی زاده، سعید، احمدزاده، اکبر، «بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی»، (مطالعه موردی بین‌کشوری برای دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۵)، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۱۳، ش ۴۰، ص ۱-۲۸، پاییز ۱۳۸۸.
۲۷. فراگتر، برت گک، *خاطرات نویسی ایرانیان*، ترجمه مجید جلیوند رضائی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول، ۱۳۷۷.

۲۸. فوران، جان، **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹۱ شمسی تا انقلاب**، ترجمه احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۳.
۲۹. قهرمان میرزا، عین السلطنه، **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.
۳۰. کتابی، احمد، **قحطی‌های ایران**، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴.
۳۱. کرزن، جورج ناتانیل، **ایران و قضیه ایران**، مترجم غلامعلی وحید مازندرانی، ج اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۳۲. سعیدی سیرجانی، علی اکبر، **گزارش‌های خفیه نویسان انگلیسی در ولایات جنوبی ایران از ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری**، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، نو، ۱۳۶۲.
۳۳. لمبتون، ا.ک.س، **مالک و زارع در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران، علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چ سوم، ۱۳۶۲.
۳۴. لندور، آرنولد هنری، **در سرزمین آرزوها**، ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۸.
۳۵. لیتل، دانیل، **تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم الاجتماع**، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، صراط، چ دوم، ۱۳۸۱.
۳۶. لیتن، ویلهم، **ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت‌الحمایگی**، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، معین، ۱۳۶۷.
۳۷. مراغای، زین العابدین، **سیاحتنامه ابراهیم بیگ**، به کوشش م.ع. سپانلو، تهران، نشر اسفار، ۱۳۶۴.
۳۸. مستوفی، عبدالله، **شرح زندگانی من**، تهران، هرمس، ۱۳۴۱.
۳۹. ناطق، هما، **مصیبت وبا و بلای حکومت**، تهران، گستره، بی تا.
۴۰. ناظم الدوله، میرزا ملکم خان، **«اصول مذهب دیوانیان» در رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله**، گردآوری: حجت الله اصیل، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
۴۱. هدایت، مهدی قلی، **خاطرات و خطرات: گوشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من**، تهران، زوار، ۱۳۷۵.
۴۲. واعظ اصفهانی، سید جمال‌الدین، **رسائل قاجاری، کتاب پنجم: رویای صادقه**، به کوشش صادق سجادی و هما رضوانی، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۶۳.
۴۳. ویلز، چارلز جیمز، **سفرنامه دکتر ویلز: ایران در یک قرن پیش**، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران، نشر اقبال، چ اول، ۱۳۶۸.